



حضرت فاطمه(س) به مقامی رسید که رب تبارک و تعالی غضب می کند به غضب فاطمه/ میزان رضا و غضب الهی

فاطمه زهرا (س) نه تنها کسی است که راضی است به رضای رب و غضب می کند به غضب رب، بلکه فاطمه(س) والاتر از این است.

فاطمه زهرا (س) نه تنها کسی است که راضی است به رضای رب و غضب می کند به غضب رب، بلکه فاطمه(س) والاتر از این است. فاطمه(س) در افق اعلی به جایی رسیده است که رب تبارک و تعالی راضی است به رضای فاطمه(س) و غضب می کند به غضب فاطمه(س).

گام اول:

زندگی دنیوی انسان مملو از لطافتها و دلخواه ها و مشکلات و ناپسندهاست. طبعاً انسان جاذب ملائمت است و دافع منافرات. انسان با روح حیوانی خویش راضی به دلخواه هایش و ناراضی از ناپسندهای پیش آمده، حیات خویش را سپری نموده و خویشتن را با این دو قطب متفاوت نمود می بخشد. صحبت از رضا و غضب است. دو قوه. دو نیروی درونی برای موجود صاحب شعور و اراده. صاحب اختیار و توان.

اکثراً انسانها چراغ رضا و غضب خود را با خواسته های نفسانی و راحت تر بگوئیم، خواسته های روح حیوانی خویش روشن کرده و متأسفانه احساسات و عواطف را بر عقل حاکم می نمایند. خیلی راحت به دستور نفس راضی می شویم به آنچه که شاید نباید راضی کننده باشد و خیلی آسوده به نسیمی از سوی نفس خویش غضبناک می شویم به آنچه که شایسته اش نبود. اکثراً انسانها راضی و مغضوب، مغلوب نفس و احساس خویشند و چه مشکلات و فجایع از این مغلوبیت نفس و احساس که تاریخ به خود دیده و انسانها از آن رنج کشیده اند.

گام دوم:

انسانهای کاملی هستند که رضا و غضبشان از احساس و روح حیوانی شان تبعیت نمی کند. انسانهایی که عقل، حاکم بر اعماق روح و جانشان بوده و حکمرانی می کند. انسانهایی که رضا و غضبشان فقط از عقلشان سرچشمه می گیرد. اسیر نفس و احساسات نیستند. اسیر طبع حیوانی خویش نیستند. اسیر لذائذ ظاهری و دل بستگیهای صوری نیستند. انسانهایی که پایه و اساس انسانیت شان را عقل قراردادده و آن وقت در حقیقت می رسند به آنجا که بتوان فریاد برآورد که: "راضی است به رضایت عقلش و مغضوب است به غضب عقلش".

چند نفر در چنین مقامی سراغ دارید؟ چند نفر را می شناسید که تصمیمهای احساسی نگیرند؟ زود و الکی خوش نباشند؟ با دیگران از روی نفسانیت خویش دشمنی نوززند؟ چند نفر را می شناسید که رضا و غضبشان ناشی از عقلشان باشد نه جهل و تمایلات شخصی شان؟ چند نفر را می توانید مثال بیاورید که "یرضی لرضی العقل و یغضب لغضب العقل" باشند؟

گام سوم:

آدمیت همین است که عقل حاکم برشئون انسان شود. ولی کمال آدمیت به این است که رضایت و غضب خویش را منوط به رضا و غضب الهی کند. اراده اش را فانی در اراده الهی نماید، یعنی راضی بشود به آنچه خدا از آن راضی است و غضب کند به آنچه خدا غضب می کند. یعنی هرچه خدا دوست دارد، دوست داشته باشد. هرچه خدا دشمن بدارد، دشمن دارد. هر چه خدا بخواهد آن دلخواهش گردد و هر چه خدا نخواهد از آن روی گردان باشد.

سخن از خرق عادت نیست بلکه در این دنیای آزمایش، ستارگانی هرچند اندک، اما بودند و موجودند که "یرضی لرضی الرب و یغضب لغضب الرب"، البته در عالم خلقت کم اند، آنهايي که بدون چون و چرا راضی به رضای رب شدند و مغضوب به غضب او. خیلی کم اند. بسیاری از پیامبران بزرگ الهی در این وادی کم آورده اند تا چه رسد به من و شما و امثال ماها.

و ستاره بی نظیر این عرصه کسی نیست، غیر از اوئی که عیدی بی نظیر برای خدا بود و خاتم انبیای الهی. حضرت محمد مصطفی (درود خدا باد بر او و خاندان گرامیش) ایشان هرچه کرد، هر چه دوست داشت، هرچه خواست، هرچه دشمن داشت و هرچه فرمود و هر چه رفت و هر چه را مانع شد، همه و همه با محاسبه رضایت حضرت حق بود و با در نظر داشتن غضب باری تعالی. و رضایتش به رضایت الهی بود و غضبش به غضب الهی و نبود چون و چرایی و اعتراضی و سوالی و حرفی و کلامی. و هرچه بود بندگی بود و عبودیت محض و طلب رضایت معبود.

گام چهارم:

رضایت الهی و غضب و سخطش در چیست؟ چگونه می توان خداوند را راضی نمود و از غضبش برحذر ماند. جان کلام آن است که گویند: رضایت خدا از بنده خویش آنگاه بدست می آید که ببیند بنده از دستورات او پیروی نموده و از مناهیش کناره می گیرد و آنگاه بنده می رسد به جایگاهی که "رضی الله عنه" و بشارت می یابد به رضوان که "بیشرهم ربهم برحه منه و رضوان".

و آنگاه که گوئیم خدا از امری راضی است، یعنی آنکه این کار مطابق دستور الهی بوده است و چه هدفی بالاتر از این برای زندگی و حیات انسان که هر آن و هر لحظه در طلب جلب رضایت الهی باشد و خوشا آن حال که راضی گردد، معبود از عبد

خویش و "فوز عظیم" حاصل آید.

و کیست آن کسی که به دنبال غضب الهی باشد با آنکه تاریخ شاهد است و سنت گواه که مغضوبین درگاه الهی حالی بسیار زشت و ناپسند در دنیا و عاقبتی سخت و ناگوار را انتخاب کرده و عذاب دردناک دنیا و عقبی را انتظار می کشند. همانهایی که صراطی را برگزیده اند که روزانه بارها و بارها هر مسلمانی از خداوند متعال حذر از آن صراط و هدایت به سمت راه مستقیم را خواهان است و غضب الهی به بیان روایات چیزی نیست غیر از عقاب و عذاب که نتیجه بدکاریهای بندگان عاصی است.

گام پنجم:

در عالم خلقت کسی هست که چون ستاره ای فروزان می درخشد در باب جلب رضایت الهی و دوری از سخطش. کسی که نه تنها رضا و غضبش از روی احساسات و تمایلاتش نبود و عقل در رضا و غضبش حکم می راند، بلکه رضایت الهی و غضب الهی را مقدم بر درخواست و دلخواه خویش قرار داده بود و بود "یرضی لرضی الرب و یغضب لغضب الرب" و کار بالاتر و بسیار بالاتر از این است.

روایت حضرت خاتم الانبیاء(ص) را به خاطر آورید که فرمودند: "یا فاطمه ان الله یغضب لغضبک و یرضی لرضاک: ای فاطمه خداوند غضب می کند به غضب تو و راضی می شود از رضایت تو" آری فاطمه زهرا (س) نه تنها کسی است که راضی است به رضای رب و غضب می کند به غضب رب، بلکه فاطمه(س) والاتر از این است. فاطمه(س) در افق اعلی به جایی رسیده است که رب تبارک و تعالی راضی است به رضای فاطمه(س) و غضب می کند به غضب فاطمه(س). در این گام توقف لازم است و تدبر. فاطمه(س) چه جایگاه و مقامی دارد که رضایت الهی به رضایت اوست و غضب الهی به غضب او؟! فاطمه(س) در چه مرتبتی قرار دارد که میزانی گردیده برای رضا و سخط الهی؟!

همه تلاش آدمی در عالم خاکی جلب رضایت خالق بی همتا و دوری از غضب رب العالمین است. تمام عبادات و اطاعات و دعاها همه برای راضی شدن خداوند از بندگی ما و دوری از غضب و خشم اوست و کلید رضا و غضب الهی کسی است که خداوند به رضایتش راضی و به غضبش مغضوب است و این کلید کسی نیست غیر از فاطمه(سلام خداوند بر او و دنیا محلی برای محک خوردن انسانها با میزان رضا و غضب الهی و عقبی محلی برای مشاهده نتایج این آزمایش عظیم است و خوشا به حال کسانی که سربلند گردند در این امتحان سخت.

پی نوشت:

در باب روایت حضرت پیامبر اکرم(ص) که فرمودند: "یا فاطمه ان الله یغضب لغضبک و یرضی لرضاک" می توان از منابع زیر نامبرد: مستدرک حاکم نیشابوری، مجمع الزوائد هیثمی، المعجم الکبیر طبرانی، کنز العمال هندی، کامل ابن عدی، اسد الغابه ابن اثیر، سبل الهدی و الرشاد صالحی، ینابیع الموده لدوی القربی قندوزی، تاریخ بغداد ابن نجار، میزان الاعتدال ذهبی، الاصابه ابن حجر، امتاع الاسماع المقریزی، نظم درر السمطین زرنندی، تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر که همگی از مدارک اهل تسنن می باشند.*

*نویسنده: جواد عبدل زاده، نویسنده و پژوهشگر